

**مترجم سخنرانی های حماسی شهید سیدحسن نصرالله از تجربه‌های ویژه‌اش می‌گوید**

# کلاس مخاطب‌شناسی، اعجاز فرم و محتوا



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

«**کشف** سلیمانی هم از سر ترامپ با ارزش‌تر است.» این شاید یکی از ماندگارترین جمله‌هایی است که از شهید نصرالله به یاد داریم. حتی مترجم همزمان او هنگام ترجمه آن نتوانست جلوی ترکیدن بغض خود را بگیرد. این سخنرانی‌ها با اینکه معمولاً بیش از یک ساعت طول می‌کشید اما مخاطب را میخکوب خود می‌کرد و نوعی کلاس درس رسانه‌ای بود. تسلط بی‌بدیل دبیرکل حزب‌الله لبنان بر فن سخنوری جذآییتی ایجاد می‌کرد که کمتر کسی از نشستن و گوش دادن به صحبت‌هایش خسته می‌شد. صحبت‌های شهید نصرالله طی سال‌های گذشته توسط تلویزیون و همراه با ترجمه یک مترجم همزمان پخش می‌شد. توجه متفاوت این مترجم به کلماتی که سید حسن نصرالله داشت باعث می‌شد که او بیشترین فرات را به زبان کلامی و بدنی این شهید داشته باشد. شنیدن صدای این مترجم بدون صدای سید حسن نصرالله در پس‌زمینه سخت است با این حال با سلطان مقدم، مترجم همزمان او گفت‌وگو کردیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

- 
- 
- 
- 

#### دوست و دشمن از لیخند سید لذت می‌برند

یکی از هنرهای سید که همه به آن اذعان داشتند، هنر سخنوری، خطابه‌گویی و سخنرانی است. مقدم می‌گوید هرکسی نمی‌تواند این هنر را داشته باشد: «شاید خیلی‌ها زبان گویایی داشته باشند اما هنر استفاده از آن را نداشته باشند. این یک هنر است. برخی می‌گویند با آموزش و کلاس می‌شود اما به نظر من این خدادادی، درونی و ویژگی خاص فرد است. یعنی خدا تاثیر و نفوذ و کام را در برخی از افراد قرار می‌دهد. ما در تاریخ داریم بعضی از منبری‌ها و وعاظ خیره‌ناک، سطح مقبولیت و مخاطبان‌شان فرق می‌کند. هیچ‌کسی نمی‌تواند بگوید مرحوم حاج احمد کافی یا مرحوم فلسفی منبرهای خلاقه داشتند. همه اذعان داشتند سخنرانی‌هایشان گریایی خاصی داشت. این در بحث وعاظ فارسی‌زبان بود. در بخش عرب‌زبان‌ها من خیلی برخورد داشتم. همه از سخنرانی‌های آتشین جمال عبدالناصر یاد می‌کنند. می‌گویند او هم آدمی بود که فی‌البداهه می‌توانست صحبت کند اما هیچ‌کس همانند شیرینی و حلالت و چهره زیبا و در عین حال پرهیزت سید حسن را حداقل در تاریخ معاصر ما به خاطر ندارد. یعنی ایشان در عین اینکه چهره پرحاصلت و باهیبیتی داشت، وقتی لیخند می‌زد، چه دوست و چه دشمن از چهره زیبا و ترکیب صورت ایشان لذت می‌برد.»

#### موساد زبان بدن نصرالله را تحلیل می‌کرد

سیدحسن نصرالله علاوه بر تسلط بر قدرت زبان کلامی، زبان بدن معناداری نیز داشت، همانطور که این روزها با توجه به حذف تصاویر او توسط برخی پلتفرم‌ها، کاربران تصویر انگشت اشاره او را بازنشر می‌کنند. مقدم در این باره توضیح داد: «یک واحد در سازمان موساد اسرائیل وظیفه تجزیه‌وتحلیل و آنالیز زبان بدن سید را داشت. مثلاً چرا سید اینجا این دستش را بالاورد یا چرا آنجا آن انگشتش را آنتور کرد یا چرا اینجا چشمک زد. حتی ایشان یک بار بشکن زد

و اینها را تجزیه می‌کردند و بر اساس آن کدهایی می‌نوشتند و تحلیل می‌کردند که سید الان در چه وضعیتی است. خیلی برایشان مهم بود که به درون سید نفوذ کنند. سالیان سال بود که اینها به دنبال سید بودند و ما از حضور سید در بین مردم محروم شده بودیم. ایشان مجبور بودند در پناهگاه‌های خاصی سکونت کنند و در بین مردم نبودند. در نهایت متاسفانه در چند روز اخیر به هدف شان رسیدند و ایشان به آن درجه و مقام الهی رسید و موفق شد مثل اجداد با کش، شهید از دنیا برود.»

#### نصرالله هوشمندانه مخاطب‌شناسی می‌کرد

مترجم دبیرکل حزب‌الله لبنان هیچ‌یک از سخنرانی‌های ایشان را تکراری و مثل سخنرانی قبلی نمی‌داند: «در روزهای ماه محرم، مثلاً امروز یک جور صحبت می‌کرد و واژه‌هایی را استفاده می‌کرد و دو شب بعد که سخنرانی داشت، سعی می‌کرد تکراری نباشد. یعنی یک کلیشه ثابت نداشت. تنها قسمت ثابت سخنرانی‌های ایشان ابتدای سخنرانی‌هایش بود که بسم‌الله می‌گفت و صلوات می‌فرستاد و به اهل بیت سلام می‌داد. این همیشه ثابت بود. درباره همین هم دعوا وجود داشت. ایشان در آخر این بخش می‌گوید: «و علی نبینا محمد ان عبدالله و علی آله و علی صحبه المنتجبین.» یعنی «اصحاب و یاران برگزیده، پیامبر را هم همیشه در آن کلیشه می‌گفت. خیلی از برادران اهل سنت خوش‌شان می‌آمد. این کار درستی است اما برخی از مخالفان از سید ایراد می‌گرفتند که چرا این را می‌گوی؟ یا اما خود اهل سنت کل صحابه را قبول ندارند و مطلق صحابه مورد تایید نیستند. برخی از صحابه خیانت کردند و اصلاً سوره قرآن در این باره نازل شده. سوره‌ای در قرآن هست که به برخی از یاران منافق پیامبر اشاره می‌کند. آقای نصرالله می‌گویند «منتجبین»، این نکه تکلم ایشان هوشمندانه است. صحابه چند هزار نفرند. تنها انتقاد ما به برخی از صحابه است که به اهل بیت و اسلام ضربه زدند. بنابراین نمی‌شود گفت که هر صحابه‌ای که پیامبر را دید اهل بهشت و جنت و رضوان است. این نکه‌کلام‌ها را همیشه هوشمندانه و دقیق استفاده می‌کردند. مثلاً به بحث انقلاب اسلامی یا ولایت فقیه که می‌رسید، جملات و عبارات خاصی را به کار می‌برد که عرب‌ها تعجب می‌کردند که از کجا این حرف‌ها را می‌آورد. در مورد انقلاب اسلامی بارها می‌گوید انفجار نور، خمینی کبیر و ما سرپاز ولی فقیهیم. با اینکه خودشان عالم برجسته‌ای بودند. حالا برخی می‌گویند به درجه اجتهاد رسیده اما من اطلاعات دقیقی ندارم اما خودش را در برابر ولی فقیه آنقدر کوچک می‌بیند و عباراتی به کار می‌برد که واقعاً ذهن مخاطب قفل می‌شود که سید با این علم و فضل و کمالات، چطور خودش را در برابر ولی فقیه کوچک می‌کند. این فن بیان و هنر سید را می‌رساند. البته این هم انتظار ما از سید است. بالاخره خودشان عرب زیانند و عرب‌زبان‌ها سلیقه مخاطب عرب را بهتر از ما می‌دانند. یعنی می‌دانند الان عرب‌ها از چه چیزی خوش‌شان می‌آید و تحت تاثیر چه چیزی قرار می‌گیرند. مثلاً یک فارسی‌زبان با یک شعر حماسی فردوسی تحت تاثیر قرار می‌گیرد یا یک شاعر آلمانی؟ معلوم است که سلیقه مخاطب ایرانی شعر فارسی را می‌پسندد. عرب‌ها هم همین‌گونه‌اند. اما سید با زبان و ادبیات و مخاطب‌شناسی دقیق خودش سخنرانی می‌کرد. شبکه ماواره‌ای المنار که وابسته به حزب‌الله است و با اینکه تحریرش کرده‌اند تقریباً ۲۰۰ سال است

## کارشناسان در آستانه نخستین جلسه شورا در دولت جدید مطرح کردند

# شورای عالی فضای مجازی به بازی برمی‌گردد؟

دارد یا خیر؟ زیرا اگر این مساله حل نشود، حداقل از لحاظ قانونی مصوبات آن شورا، قابلیت اجرایی شدن ندارد.»

#### شورای عالی فضای مجازی

#### باید به حوزه سیاستگذاری بازگردد

نعاکار همچنین در ادامه گفت‌وگو به اولویت دوم شورای عالی فضای مجازی از دیدگاه خود می‌پردازد: «اولویت دوم به نظر من این است که شورای عالی فضای مجازی باید به مدار قانون بازگردد. یعنی چه؟ شورای عالی فضای مجازی با انحلال شورای عالی اطلاع‌رسانی و ادغام با شورای عالی انفورماتیک ایجاد شد. شورای عالی فضای مجازی، سکنا‌دار سیاستگذاری سایبری در کشور است و نه بیشتر. یعنی باید سیاست‌های کلان را در کشور تدوین، تصویب و ابلاغ کند. بعد به مجلس برود و مجلس آن را تبدیل به قانون کند. اینکه شورا خودش در رأس ماجرا قانون‌گذاری کند، خلاف قانون اساسی است. نهنها مرجعی که اجازه قانون‌گذاری در کشور دارد، مجلس شورای اسلامی است. اگر این اختیاز از طریق شورای عالی فضای مجازی از مجلس گرفته شود، که در سال‌های اخیر نیز گرفته شده، به نظر مسیر از مدار قانون خارج شده و خلاف قانون اساسی است. ولی اگر بتواند سیاست‌های کلان حکمرانی سایبری و حکمرانی فضای مجازی را تدوین و تصویب کند و به مجلس تحویل دهد، به نظرم بزرگ‌ترین و بهترین کار است. همچنین به نظرم از این وضعیتی که اکنون با آن مواجه‌ام و حکمرانی سایبری با ابهامات و چالش‌های رویه‌رواست و تنظیم‌گرهای متعددی دخیلند، در صورت اجرای این اولویت دوم دور خواهیم شد.»
نعاکار همچنین در تشریح اولویت دوم به سند راهبردی فضای مجازی نیز اشاره می‌کند. «در سند راهبردی فضای مجازی که مصوب خود شورای عالی فضای مجازی است، تصویب شده بود چندسال پس از تنظیم و تصویب این راهبرد، ایران طراز اینترنت منطقه را داشته باشد. کیفیت بالا و خدمات خوبی ارائه دهد و موارد دیگر. اما شورا از سیاستگذاری فاصله گرفت و به سمت قانون‌گذاری رفت که بهتر است این ماجرا به مدار قانون بازگردد.»

#### شورای عالی فضای مجازی

#### باید از ظرفیت مرکز ملی فضای مجازی کشور استفاده کند

این کارشناس حقوق سایبری درباره اولویت سوم شورای عالی فضای مجازی نیز می‌گوید: «سومین مورد که فکر می‌کنم پس از این دو اولویت است، استفاده از ظرفیت‌های مرکز ملی فضای مجازی است. مرکز ملی فضای مجازی یک اساسنامه بسیار خوبی دارد که در حکم قانون است؛ چراکه شورای نگهبان نیز آن را تأیید کرده ولی تقریباً اکثر ظرفیت‌های آن اساسنامه بلااستفاده مانده است، ازجمله بخش تنظیم‌گر فضای مجازی آن. چون این اساسنامه بلااستفاده مانده، سازمانی مانند ستارآکه یک سازمان غیرقانونی است و اساسنامه ندارد، برای تنظیم‌گری محتواسشل گرفته‌اند. در جایی دیگر سازمان مقررات‌رادیویی شکل گرفته با کمیته تنظیم مقررات درحال تنظیم‌گر است. بخشی از تنظیم‌گرها هم در کمیته جرائم افغانه است. بنابراین کلا ظرفیت آن اساسنامه که ظرفیت بسیار بالایی است، ابر و بلااستفاده مانده. به نظر من اگر این سه کار پیش برود، شورای عالی فضای مجازی را زنده خواهد کرد وگرنه بخواهد با همین روشی

روی آنتن می‌رود. الان این شبکه مخاطب بسیاری در جهان عرب دارد. ترکیب رنگ یا برخی موسیقی‌های خاص یا برخی صداهای خاطره‌انگیز در آن شبکه پخش می‌شود که عرب‌ها میخکوب می‌شوند. مخصوصاً شیعیان عرب کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، خیلی مجذوب آن شبکه و هنر رسانه‌ای بچه‌های حزب‌الله‌اند. اینها خیلی تاثیر دارند. سید هم دقیقاً هدفمند و هوشمند مخاطب‌شناسی می‌کرد.»

#### آزروی من ترجمه دیدار رسمی رهبری و سید بود

تسلط رهبر انقلاب به زبان عربی و همچنین تسلط سید حسن نصرالله به زبان فارسی باعث شده بود تا معمولاً دیدارهای غیررسمی آنها بدون حضور مترجم برگزار شود و به قول سلطان مقدم، رهبر انقلاب و سید حسن نصرالله «بازبان دل» با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند. مقدم از آزروی بزرگ خود در این باره گفت: «این آزروی قلبی من بوده که یک روزی در یک دیدار رسمی، میان مقام‌معظم‌رهبری و سید مترجم می‌بودم. چون خود حضرت‌آقا روی زبان فارسی تعصب دارند و در همه دیدارهای رسمی با عرب‌ها، با اینکه به زبان عربی مسلطند، عربی صحبت نمی‌کردند و مترجم می‌آوردند. خود آقای نصرالله هم بارها من دیدم با اینکه به زبان فارسی مسلط بود، به خاطر جایگاه و شأن رهبریت حزب‌الله سعی می‌کرد که مترجم بیاورند. من خیلی آرزو می‌کردم که قبل از مرگم یک بار مترجمی دیدار رهبر انقلاب با سید را انجام می‌دادم. اما این توفیق از ما گرفته شد.»

#### خطابه‌هایش ترکیبی از دین، سیاست، جامعه‌و فرهنگ بود

فراز و فرودهای سخنرانی دبیرکل حزب‌الله از خستگی مخاطب در گوش دادن به آن جلوگیری می‌کرد. با وجود ترجمه همزمان این سخنرانی‌ها، سلطان مقدم، سعی می‌کرد صدا و لحن خود را منطبق با این فراز و فرودها به گوش مخاطب برساند. او با بیان اینکه «من هنوز از عبارت جایبامز، رحمه‌الله یا رضوان‌الله استفاده نکرده‌ام. چون هنوز خودم باور نکرده‌ام و نمی‌خواهم باور کنم که سید از بین ما رفته» درباره این شیوه به خصوص ترجمه گفت: «من همیشه حیقم می‌آمد که ترجمه سید خشک و در حد یک شخصیت سیاسی یا مذهبی باشد. همیشه نمک و فلفل به این ترجمه می‌زدم و همزمان دوبله می‌کردم. این هم خاص سید بود. من برای خیلی از شخصیت‌های معروف جهان عرب ترجمه کردم اما نه من خیلی ذوقش را داشتم و نه از لحاظ محتوا و سنگینی مطالب به سید نمی‌رسیدند. سید خیلی پر بار بود. صحبت‌های ایشان زیر یک ساعت نیست و معمولاً آدم با دیدن و شنیدن ۴۰ دقیقه سخنرانی خسته می‌شود. اما هیچ مخاطبی برای صحبت‌های سید خسته نمی‌شود. ایشان یک تکنیک و روشی در صحبت دارند که در سخنوری کم نظیر است. مثل این قاریان قرآن که احتمالاً توجه کرده‌اید بعضی جاها صدای خود را بالا و بعضی جاها صدایشان را پایین می‌آورند که به فاخر و معنای آن آیه است. مثلاً اگر آیه معنای عذاب و آتش داشته باشد، قاری سعی می‌کند که با یک دستگاه حزین و غمناک بخواند. اما اگر بشارت یا مژده داشته باشد و توصیف بهشت باشد، قاری زبردست قرآن با یک دستگاه و لحن بسیار خوبی آن را بیان می‌کند. شما اگر معنای آن آیات را متوجه نشوید، فقط از آن آواز و آهنگ لذت می‌برید. اما وقتی که معنی را هم متوجه شوید، لذت شما چند برابر می‌شود.

این دقیقاً درباره سید صدق می‌کرد. یعنی شما اگر عربی متوجه باشید و بدانید چرا مثلاً سید اینجا داد زد یا بغض کرد یا اخم کرد، ناخودآگاه شما را به مانیئور میخکوب می‌کرد. مثلاً لحن یا صوت مرحوم عبدالباسط شما را جذب می‌کند یا قرآن خواندن من؟ او صد درصد استاد بی نظیری بود و بین قراء روی دستش هنوز نیامده است. اگر بخواهیم بین سخنوران و خطابه‌گویان مثال بزنیم سید این‌گونه بود و حداقل نسل ما مثالش را در عصر حاضر میان عرب‌ها ندیده است. شاید بعداً بیاید اما من بعید می‌دانم. من صحبت‌های خیلی از شخصیت‌های اسلامی، دینی و سیاسی را دیده و شنیده‌ام. صحبت‌های جمال عبدالناصر را هم شنیده‌ام و برخی از آنها خیلی پرحرارت بود اما اصلاً به گرد پای سید هم نمی‌رسد. صحبت‌های عبدالناصر بکناخت و فقط سیاسی است؛ اما سید ترکیبی از دین، سیاست، اجتماع، فرهنگ، آموزش، عرفان، فلسفه و اینها بود. یعنی شما به هیچ وجه از سخنرانی او خسته نمی‌شدید.»

#### سخنرانی ۳ ساعته را آنلاین ترجمه می‌کردم

#### اما خسته نمی‌شدم

مقدم در ادامه با اشاره به اینکه برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای محور مقاومت مثل العالم، المنار یا ال میادین هر سال یک مصاحبه اختصاصی با سید داشتند، افزود: «به آن مصاحبه «لقاء العالم» می‌گفتند که یعنی دیدار سالیانه. آن دیدارها زیر سه ساعت نبود. آنها هم زنده است و بارها شده که آن سه ساعت را تنها بودم و بعضی وقت‌ها بچه‌های دیگر کمکم می‌کردند، اما حتی زمانی که تنها بودم و سه ساعت به صورت آنلاین و همزمان صحبت‌های سید را ترجمه می‌کردم، به خدا خسته نمی‌شدم. یعنی آنقدر در این سه ساعت، مطالب جدید و تغییر در تن صدا و تنوع محتوایی پیدا می‌شد. این مصیبت بزرگ است اما این ترور فیزیکی سید است. در این چند دهه سید بارها ترور شخصیتی شد چه در داخل و چه در خارج. آخرین باری که سخنرانی داشت، خیلی‌ها به من می‌گفتند سید آمده تهران و فرار کرده. اما وقتی ایشان در قلب صدر شهید شد، همه فهمیدند که این حرف‌ها و شایعات یاد هواسط و چقدر به سید ظلم شد. خودشان دلشان سوخت وقتی سید در قلب ضاحیه با آن حجم از بمب سنگین آمریکایی شهید شدند. تازه فهمیدند چقدر اشتباه می‌کردند در اعتماد به رسانه‌های بی‌اطلاع و غیرحرفه‌ای.»

#### سید روی ایران تعصب خاصی داشت

این مترجم در پایان درباره ماندگارترین قسمتی که از سخنرانی شهید سید حسن نصرالله ترجمه کرده، گفت: «چیزی که همیشه یادم می‌آید و گریه می‌کنم درباره انتقام سردار شهید ما، حاج قاسم سلیمانی است که گفتند که ایشان خیلی ناراحت بودند. آنجاکه می‌گویند: «ما چه کسی را یکشم که با قاسم سلیمانی برابری کند؟ ترامپ؟ سر ترامپ و کل کاخ سفید‌شان به اندازه کفش حاج قاسم نمی‌شوند. تنها راه انتقام خروج کل نیروهای آمریکایی از منطقه است. می‌شود گفت این کمی دل ما را خنک کند.» من حتی از داخل هم این‌گونه شنیده بودم که چنین موضعی درباره انتقام و ششبه‌سازی ارزش و مقام حاج قاسم گفته شود. اما یک شخصیت غیرایرانی، تعصبی به ایران و انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب و سرداران ایرانی دارد، وقتی اسم اینها را می‌آورد چشمانش برق می‌زند. لیخند به لبانش می‌نشیند و واقعاً کم نظیر است. اینها در ذهن من حک شده است.»



این موارد مشخص نیست، مشخصاً درباره پلتفرم پراستفاده باید روشن شود. گام اول می‌تواند شفافیت این فضا باشد و ترسیم مسیری که بتواند جهت‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها را نشان دهد.»

#### پوریا آسترکی:

#### لزوم ورود شورای عالی فضای مجازی به رمز دارایی‌ها

پوریا آسترکی فعال حوزه دیجیتال و رمز ارز است. او به توجه شورای عالی فضای مجازی به زیرساخت‌های رمزارز و استفاده از این ظرفیت مغفول‌مانده اشاره می‌کند و می‌گوید: «شاید موضوعی که هم وعده دولت جدید بود و هم مطالبه ملی است، بحث کیفیت و موانع اینترنت است که باید بهبود یابد. این امر جنبه‌های مختلفی دارد و تعدادی از آن می‌تواند نارضی سازی مردم از حاکمیت، شکایت جمعی و بی‌اعتمادی به دولت‌ها باشد. همچنین نشر حد‌کنزی انواع فیلترشکن‌ها که می‌تواند نامنی برای کاربران و کشور ایجاد کند یا دیگر الزامات بهبود کیفیت اینترنت است. همچنین امر دیگر تأثیر روی کسب‌وکارهایی است که در بستر فضای مجازی درحال فعالیتند و یک امر جدی دیگر ایجاد تصویر خاص از کشورمان در ذهن نسل جوان و حتی عرصه بین‌المللی است. همه از باید‌ها و الزامات توجه به کیفیت اینترنت و فیلترینگ توسط شورای عالی فضای مجازی است.»

آسترکی همچنین ادامه می‌دهد: «اما موضوع مرتبط با شورای عالی فضای مجازی که کمتر به آن توجه شده، مساله بلاک چین و ابزارهای این فناوری است. کشور ماتحت شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی است و جمع‌بندی اغلب مدیران کشور این بود که تلاش باید بود که فضای مجازی به فضای مجازی کشور زد. اکنون با استفاده از فناوری بلاک چین در اختیار داشته باشیم و ارتباطات بین‌المللی با سایر کشورهای دنیا به جز کشورهای تحریم‌گر، به ما امکان این را می‌دهد که به راحتی مسائل تحریم مانند مبادلات بین‌المللی، جذب سرمایه و مسائل اعتباری‌مان را در مبادلات بین‌المللی حل کنیم. بنابراین ما ظرفیت کشورهای بریکس را داریم. کشورهای بریکس برای استفاده از ظرفیت‌های غیردلاری اساساً دورهم جمع شده‌اند. یعنی کمترین هدف بریکس، حذف دلار از ذخیره ارزی کشورها و حذف دلار از معاملات بینابین کشورهای عضو آن اتحادیه است. در این زمینه به خصوص روسیه و چین فعالیت‌های بسیاری انجام داده‌اند. جنگ اوکراین، باعث شده بود که روسیه با ۴ میلیارد دلار تحریم مواجه شود و برای اولین بار یک قدرت بزرگ جهانی، شرایطی مشابه با شرایط ایران پیدا کرد. این باعث شد که تحولات بریکس سرعت بگیرد.»

این فعال حوزه دیجیتال می‌گوید: «این ظرفیت تا حد زیادی در ایران مغفول مانده است. طی جلسات جدید شورای عالی فضای مجازی و با توجه به نیاز کشور باید به فرصت رمز ارزها توجه کنند و زیرساخت‌های آن تأمین شود تا بتوانیم دلار و درهم را از مبادلات جهانی حذف کنیم. از همه مهم‌تر باید این فضا قانونمند شود. ما هنوز قانون مشخصی در رابطه با رمز دارایی‌ها نداریم و هنوز قانونی که تبادل رمز دارایی‌ها را در کشور مجاز کرده باشد، نداریم. ما به یک ابزار و فناوری مالی نیاز ضروری و حیاتی داریم. اما باز هم نگاه می‌کنیم که این فناوری در کشور فلج شده و اجازه حرکت به آن نمی‌دهند. شورای عالی فضای مجازی به دلیل فنی بودن ماجرا باید به رمز دارایی‌ها ورود کند.»

# فرهنگ‌نخبگان

# فرهنگ‌نخبگان

# فرهنگ‌نخبگان

# فرهنگ‌نخبگان

# فرهنگ‌نخبگان

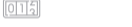
# فرهنگ‌نخبگان

# فرهنگ‌نخبگان

# فرهنگ‌نخبگان

# فرهنگ‌نخبگان

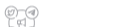
#### سه‌شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۳



شماره ۴۳۴۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE